

مقاله پژوهشی:

اصول راهبرد فرهنگی مدیریت مکتب سلیمانی

محمدباقر بابایی طلاتپه^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

چکیده

مقاله با هدف تبیین اصول راهبرد فرهنگی مدیریت مکتب سلیمانی در راستای تدبیر مقام معظم رهبری در طرح سبک فرماندهی و مدیریتی سپهبد شهید قاسم سلیمانی در قالب مکتب سلیمانی نوشته شده است؛ از این رو تلاش شده با استفاده از روش استقراء اجتهادی، سخنان امام‌خامنه‌ای و سخنان شهید و هم‌زمان او اصول راهبرد فرهنگی مدیریت حاکم بر مکتب سلیمانی را استخراج و تبیین کنیم. این اصول بعد از تحلیل گفتمانی و تایید روایی و پایایی آنها با استفاده از زبان گفتمانی مصاحبه‌گران و سیاق تدابیر رهبری در ۹ اصل خداباوری و یقین به وحدانیت او، تفکر راهبردی ولایی، آخرت‌نگری، التزام عملی به دین، اخلاص در گفتار و عمل، روحیه جهادی و انقلابی‌گری صبرالهی، مدیریت دینی، ادب اسلامی‌انسانی (الهی)، ولایت‌مداری (ولی‌فقیه)، عشق به خدا و دیدار او، تصمیم‌گیری راهبردی ولایی تجمیع و تبیین شد و راهبرد کلان فرهنگی ناظر بر مدیریت در مکتب سلیمانی را اعتقاد و باور به وجود خدا و یقین به آخرت و تمسک به ولایت حقیقی امام زمان (عج) و ایجاد رابطه قلبی و دلی با مقام معظم رهبری و امتثال اوامر و نواهی ایشان بدانیم.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، اصول راهبردی، مکتب سلیمانی، اصول راهبرد فرهنگی

مقدمه

انسان موجود فرهنگی است که سبک زندگی را خودش رقم می‌زند که متأثر از دانش و ارزش‌های برآمده از تعالیم شخصی و محیطی است (بابائی، ۱۳۹۳: ۱۴۴). فرهنگ وجود مستقلی ندارد، بلکه وجودش انتزاعی و متجلی در رفتار و منش آدمیان است (مطهری، ۱۹۸۷، ج ۱: ۶۲). فرهنگ در عمل و یا رفتار تجسم می‌یابد و ساختارهای اجتماعی را شکل می‌دهد (الفرد کروبر، ۱۳۸۶: ۱۱) و تفاوت عمده اش نیز با موجودات دیگر نیز در همین نکته است که آمدنش به اختیار او نیست ولی چگونگی زندگی و رفتن او از این دنیا به دست اوست (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۵). به تعبیر الکساندر گلیویچ دوگین^۱ فقط درست زندگی کردن مهم نیست، درست مردن هم مهم است و این مهم‌تر از زندگی است. سپهد شهید این گزاره را به خوبی به جهانیان نشان داد که می‌توان خوب زندگی و خوب رفت. برای اینکه قدر و اندازه کاری که این شهید انجام داده است مشخص شود، باید به کار ایشان به چشم یک مکتب نگاه کنیم. «سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیّت این قضیه روشن خواهد شد.» (امام‌خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه، ۹۸/۱۰/۲۷).

حاج قاسم نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام‌خمينی و خامنه‌ای بود، که همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید و شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه‌ی او در همه‌ی این سالیان بود. این سبک زندگی حاج قاسم بود که از او حاج قاسم ساخت و این فاکتورهای فرهنگی این شهید بود که او را وارسته کرده و سردار دل‌ها ساخت. بنابراین، برای ترویج و بسط زندگی این شهید و باز تربیت افرادی مثل ایشان، نیازمند پاسخگویی به این سؤال هستیم که اصول فرهنگی حاکم بر زندگی این شهید و به تعبیر مقام معظم رهبری، مکتب سلیمانی چه بود که ایشان با تاسی از آنها به این جایگاه رفیع دنیوی و اخروی دست یافت؟

۱. فیلسوف و مشاور ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه سخنرانی دانشگاه شریف و مسجد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تاریخ ۹۸/۱۱/۲۱ به مناسبت چهلمین روز شهادت سپهد شهید

این مقاله در صدد پاسخگویی به این سؤال بر مبنای اجتهاد استقرائی خواهد بود که از مطالعه عمیق در گفتمان شهید و دیگران بدان پرداخته است.

مبانی نظری

تعریف مکتب

از مکتب تعاریف مختلفی شده است ولی قدر متیقن آن مجموعه‌ای از باورها و اعتقاداتی است که آدمی را به انجام سبک و روش خاصی از عمل و می‌دارد. برای نمونه همه مکاتب الهی اعم از مسیحیت و یهودیت و اسلام، نماز و روزه دارند (یونس: ۸۷ و شوری: ۱۳)؛ ولی کیفیت انجام آنها متفاوت شده است. این کیفیت ناشی از تمایزهای مکتبی است که در این مکاتب نهفته است که در جای دیگر باید در مورد آن بحث کرد.

استاد شهید مطهری در تعریف مکتب می‌گوید: یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۵).

سید حسن نصرالله در مصاحبه تلویزیونی شبکه ۱ مکتب را به معنای ایده، مجموعه ایده‌ها، فرهنگ یا یک روش معین در کار تعریف می‌کند و مثالی که از حاج قاسم به میان می‌آورد، حضور میدانی و از نزدیک او را شاهد این مدعا می‌گیرد: «ایشان فرمانده یک نیرو در سپاه بود؛ می‌توانست در تهران بنشیند و به دیگران بگوید بیاید این‌جا. بعد با آن‌ها جلسه بگذارد و به حرف‌هایشان گوش بدهد و مسائلشان را به صورت طبیعی و خوب پیگیری کند و مثلاً هر شش ماه یا یک سال هم سری به لبنان و سوریه و عراق و اینها بزند ولی او این کار را نمی‌کرد و این به سبک فرماندهی و شیوه آن برمی‌گشت و مزایایی نیز برایش داشت» (شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۲۴ بهمن ۱۳۹۸ - ۲۲:۳۱).

بنابراین، وقتی صحبت از مکتب سلیمانی می‌شود، یعنی اشاره به دانش، بینش، منش و روش خواهد بود. دانش چکیده‌ای از آگاهی‌ها است که حقیقت را به ما نشان می‌دهد.

بینش بیانگر نگرش، راهکار و انگیزش است. در کنار این دو، منش بیانگر رفتار است. روش را هم باید به آنها افزود که بیانگر چگونگی، مهارت و فناوری است. پس اگر کسی بخواهد به درستی عمل کند، باید دانش، بینش، منش و روش را با هم داشته باشد. تبعیت از یک مکتب یعنی در زمینه این چهار گزاره، از آموزه‌های فکری و اندیشه‌ای آن مکتب، سرچشمه بگیرد (بابائی، ۱۳۹۶: ۵۸).

گزاره‌های مکتب

نگاه و توصیف اشیا و انسان‌ها، گاهی جزئی و گاهی کلی است؛ در وصف جزئی اشاره به مختصاتی می‌کنند که در مورد فرد یا شیء خاصی صدق می‌کند؛ مثلاً حاج قاسم، فرماندهی بود که در محاصره ۳۶۰ درجه وارد شهر آمرلی شد و با بسیج و تهیج مردم بومی، محاصره را شکست و مردم را نجات داد. این وصف تنها شامل حاج قاسم می‌شود؛ ولی در وصف کلی آنها را با گزاره‌های کلی وصف می‌کنند که شامل همه می‌شود. مانند هر جا اخلاص بود، خدای متعال به اخلاص بندگان مخلصش برکت می‌دهد، کار برکت پیدا می‌کند، رشد و نمو پیدا می‌کند، کار به نحوی می‌شود که اثر آن به همه می‌رسد، برکات آن در میان مردم باقی می‌ماند (بیانات امام‌خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه، ۹۸/۱۰/۲۷).

خصوصیت نگاه کلی، ماندگاری و تعمیم است که زمان‌بردار نبوده و جغرافیا نمی‌شناسد. بنابراین وقتی گفته می‌شود به حاج قاسم به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به او به چشم یک مکتب یک راه، یک مدرسه‌ی درس آموز، نگاه کنیم منظور نگاه کلی و ادراک کلی مسائل آن و کشف علل اصلی رفتارهای اوست (بابائی، ۱۳۸۷).

تلاش نویسنده در این مقاله، از نوع دوم خواهد بود که تلاش می‌شود تا با تحلیل اجتهاد استقرائی و استنادات قرآنی، سیاق روایی، اصول راهبردی فرهنگی حاکم بر فرماندهی و مدیریت سردار دل‌ها (مکتب سلیمانی) استخراج و تبیین شود. در ضمن با توجه به اینکه روش گردآوری اطلاعات، مصاحبه و سخنان رهبری و سخنان سپهبد شهید است، از این رو اعتبار و روایی آنها بر پایه سیاق کلامی و گفتمانی و تاکیدات جامعه آماری: ورت می‌گیرد.

اصول راهبردی

مجموعه گزاره های دانشی، ارزشی، روشی (الگو) و منشی (نماد) که موجب سازگاری و تعامل هم افزایی بین عوامل مختلف اثرگذار در شکل گیری مکتب سلیمانی با حفظ ویژگی دورنگری، آینده نگری و انعطاف پذیری در راستای آرمان‌ها و منافع حیاتی آن می شود (بابائی، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

اصول راهبرد فرهنگی

سبک و روش‌هایی که عملکرد حاج قاسم در دامنه آن شکل می‌گرفت، قوام و استحکامش بر پایه اصولی بود که از متن اسلام و مکتب خمینی و خامنه‌ای برگرفته است و رنگ و بوی عملکردهای ایشان نیز از همان اصول برمی‌خیزد و همان اصول هستند که چگونگی انجام کارها و عملکردهای او را تجویز می‌کنند. مانند مثالی که سید حسن نصرالله از مکتب سلیمانی یاد می‌کند؛ یعنی مدیریت و فرماندهی از نزدیک و حضور بی واسطه در صحنه‌های عمل و اخذ اطلاعات از نزدیک و به صورت عینی که مبتنی بر اصلی است که در اسلام بر روی آن تاکید دارد؛ یعنی اطلاعات تا آنجایی که ممکن است از نوع یقینی باشد و عملکردها باید مبتنی بر آن باشد. در آیه ۳۶ سوره اسراء بر این شیوه تاکید دارد « وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ » و علم مراتب مختلف دارد که علم یقینی یکی از مراتب آن است؛ وقتی آدمی به آن دست می‌یابد، بهشت و جهنم را می‌بیند « كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ » (التكاثر: ۵) و مرتبه بالاتر از آن عین‌الیقین است که مبتنی حضور در صحنه عملیات و درک عینی آن است (التكاثر: ۶) و بالاتر از آن حق‌الیقین هست که در آن عالم و معلوم یکی می‌شود. (الحاقه: ۵۱)

برپایه نقل قول افرادی که با حاج قاسم مانوس بودند، علم حاج قاسم از صحنه‌های عملیات از نوع حق‌الیقین بود؛ یعنی ایشان با صحنه‌های عملیات یکی بود و در متن آنها حضور داشت و از نزدیک حس می‌کرد؛ از این رو مردم نیز او را حس می‌کردند و با او هم درد شده بودند. صحنه‌هایی که از کمک به سیل زدگانه در تلویزیون نشان می‌داد و یا خاطراتی که هم رزمان ایشان در مصاحبه‌ها تعریف می‌کردند، همه آنها اثباتی بر این مدعی

است. بنابر این سبک و روش حاج قاسم در اطلاعات گیری مبتنی بر آیات و روایات است که در آن تاکید دارد که از قوای مدرکه به درستی استفاده شود «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (الإسراء: ۳۶) چراکه این قوا کارکردهای خاصی دارند و از عملکرد آن سؤال خواهد شد که کجا و چگونه از آنها استفاده کرده‌ایم (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰: ۶۰۲).

بنابراین مقصود ما از اصول راهبردی فرهنگی، همان اصول برخاسته از متن اسلام یا قرآن و سنت است که امروزه از زبان ولی فقیه زمان امام خمینی و سپس امام خامنه‌ای تاویل و تفسیر شده و در رهنمودها بدان اشاره کرده و حاج قاسم عامل به آنها بوده و شخصیت سیرتی و صورتی او را ساخته بود.

اصول بینشی

این اصول گزاره‌های تصدیقی است که نتیجه تعاملات تفکری عقل نظری بوده و از اندیشه عمیق نظری به خدا، خود، دیگران و جهان اطراف هویت می‌گیرند و سازنده جهان بینی فرد نیز می‌باشند (مطهری، ۱۳۶۵: ۶۵).

اصول ارزشی

این اصول برخاسته از نوع و کیفیت اصول اندیشه‌ای عقل نظری است و در حکم قوایی می‌مانند که اعضا و جوارح را به حرکت وامی‌دارد و باید و نبایدهای زندگی آدمی را می‌سازد (بابائی، ۱۳۹۲: ۸۳).

اصول روشی

گزاره‌های محتوایی که بیانگر چگونگی و مهندسی رفتارها بوده که از آن به قانون محاکات نیز یاد می‌کنند؛ براساس این قانون، هر فردی در زندگی نیازمند الگو می‌باشد (بابائی، ۱۳۸۴: ۹۲).

اصول منشی

گزاره‌هایی که حاکی از مهندسی بیرونی رفتارها و چگونگی انجام کارها می‌باشد؛ مانند کیفیت نماز خواندن و فرماندهی کردن (بابائی، ۱۳۹۲: ۸۳).

مدل تحلیل رفتارهای سردار دل‌ها

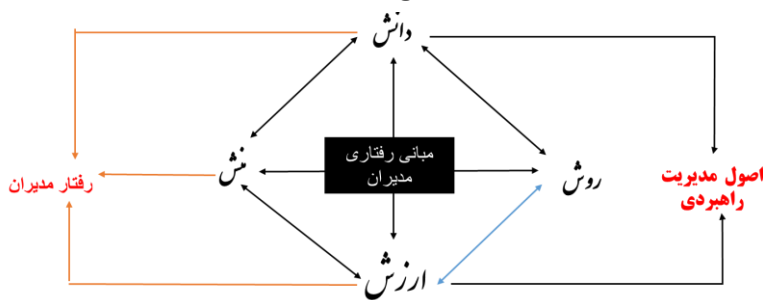
از نگاه قرآن، رفتارهای اختیاری انسان متأثر از عواملی است که بخش‌های ادراکی و معرفتی او را تحت‌تاثیر قرار داده و برای او ارزش آفرینی می‌کند (صدرالدین شیرازی، ۲۰۰۹). به‌همین دلیل، هم بین جهان‌بینی که ناظر به بخش معرفتی و اندیشه‌ای است و ایدئولوژی که ناظر به بخش بینش و نگرش است، ارتباط علی و معلولی برقرار است؛ یعنی هر معرفتی بایدها و نبایدهای ایدئولوژی و نگرشی به همراه دارد (مطهری، ۱۳۶۲: ۵۶).

رفتارهای اختیاری انسان تا زمانی که به چیزی علم پیدا نکند، اعم از تصویری و تصدیقی و تا زمانی که مهارت لازم کسب نکند و تا زمانی که الگویی برایش نشان ندهند، میلی به آن نخواهد داشت؛ چراکه تصویری از آن در ذهن ندارد (بابائی، ۱۳۸۵: ۸۷). نکته دیگری که در کار و فعل اولیه مدنظر گرفته می‌شود، چگونگی و روش آن است. مثلاً وقتی قابیل برای اولین بار با جسد برادرش روبرو شد، نمی‌دانست با او چه کار کند که خداوند کلاغی را راهنمایی او قرار می‌دهد او بر پایه علم اولیه، جسد برادر را دفن می‌کند. ولی دیگر به او غسل، کفن و تلقین و بقیه آداب دفن را انجام نمی‌دهد، چراکه علمی به آنها نداشت (المائدة: ۳۱).

از این رو رفتار مدیران و تفاوت آنها به چهار عامل بینشی، انگیزشی، روشی و منشی یا ذهنیت فرهنگی بر می‌گردد (صهبا، ۱۳۹۰: ۱۹) که از تعامل آنها اصول راهبردی حاکم بر رفتار مدیران خودنمایی می‌کند. از این رو مدل مفهومی که می‌توان در راستای آن رفتار مدیران را تحلیل و اصول فرهنگی حاکم بر آن را استخراج کرد، به شکل زیر خواهد بود.

بر پایه این مدل، مبانی رفتار مدیریتی سردار شهید در چهار مولفه بینشی، روشی، ارزشی، و منشی خواهد بود که ارکان اصلی مکتب او را می‌سازد (بابائی، ۱۳۹۹: ۲۵). بنابراین برای تحلیل ساختار و ساخت رفتارهای مدیریتی حاج قاسم، ابتدا نگاه علمی و تحلیلی با

رویکرد استقرائی به رفتارهای فرماندهی و مدیریتی او صورت گرفته است، سپس از میان آنها مؤلفه‌های بینشی، ارزشی، روشی و منشی مدیریت راهبردی مکتب سلیمانی بازنمایی می‌شود که بیانگر مهندسی مدیریت راهبردی شهید خواهد بود. این مهم، از پایه‌های مهم شکل‌گیری مکتب سلیمانی خواهد بود که تفسیر دیگری از آیه ۸۴ سوره اسراء است؛ یعنی قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳: ۲۶۲).



مدل تحلیل راهبردی رفتاری مدیران
بابانی، ۱۳۹۴

پیشینه پژوهش

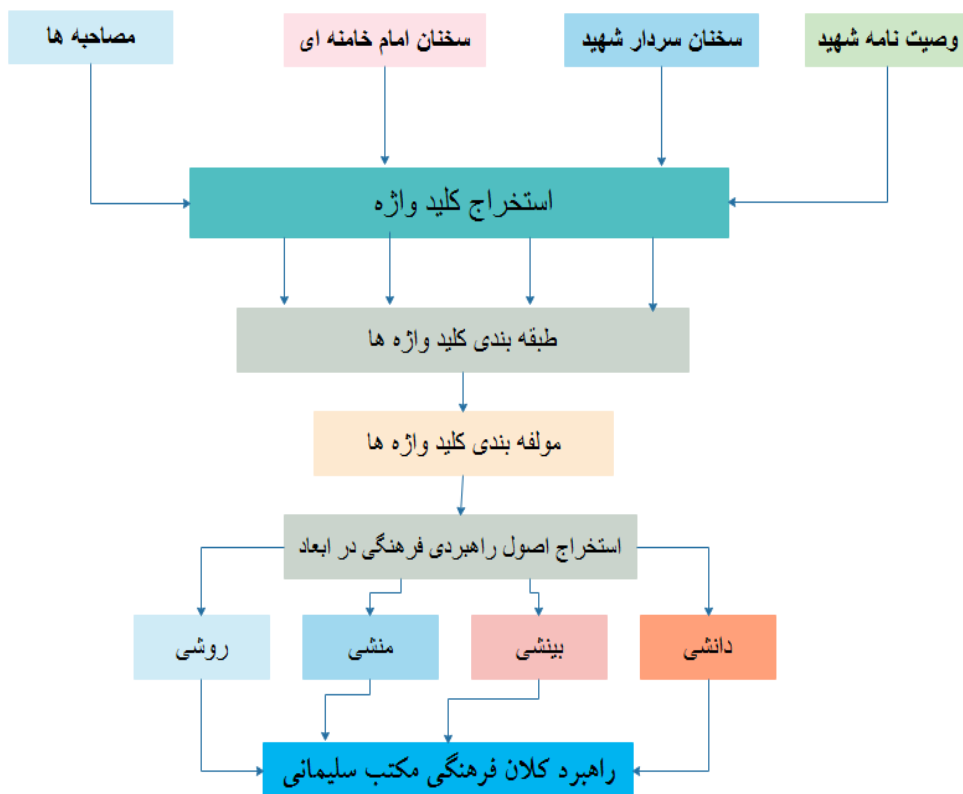
آثاری که در خصوص شهید سلیمانی نوشته شده عموماً بیان خاطراتی از شهید است و اثری که به مکتب سلیمانی بپردازد تاکنون مشاهده نشده است؛ از این رو، این اثر نوی است که به تبیین مکتب سلیمانی و اصول راهبردی فرهنگی آن پرداخته است و چند اثری که در این خصوص ملاحظه شده به شرح زیر می‌باشد.

عنوان اثر	نویسنده	ناشر و سال نشر و تعداد صفحات	موضوعات اثر
من قاسم سلیمانی هستم، سرباز ولایت	ناصر کاوه	نوآوران سینا، ۱۳۹۸: ۱۲۶	توصیف رهبری، علت دوستی مردم، زندگانی شهید... مقاومت حکیمانه، وصیتنامه
سیری در اندیشه‌های راهبردی شهید حاج قاسم سلیمانی	ابوذر مهروان فر	مهرامیرالمومنین، ۱۳۹۸: ۲۸۴	ولایت فقیه، انقلاب، دفاع مقدس، شهادت، مدافعان حرم، فرهنگ و هنر
ذوالفقار	علی اکبر مزدآبادی	یازهر، ۱۳۹۸: ۲۴۸	برش‌هایی از خاطرات شفاهی شهید حاج قاسم سلیمانی با ۱۰۰ صفحه عکس

عنوان اثر	نویسنده	ناشر و سال نشر و تعداد صفحات	موضوعات اثر
سردار دل‌ها	گروه فرهنگی تقدیر	گروه فرهنگی تقدیر، ۱۳۶:۱۳۹۸	خاطرات شهید از دفاع مقدس، داعش، جنگ ۳۳ روزه و سخن رهبری و چند نامه
سربازان سردار	مرتضی کرامتی	سه نقطه، ۱۳۹۵: ۱۷۶	زندگینامه معرفی شهدای حرم و زندگینامه
توافق سلیمانی - پوتین	شعیب بهمن	موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ۱۳۹۶: ۲۰۰	امکان سنجی روابط راهبردی ایران و روسیه
این مرد پایان ندارد	سید علی بنی لوحی	راه بهشت، ۱۳۹۸: ۲۶۰	زندگی جهادی حاج قاسم سلیمانی

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش اجتهاد استقرائی یا تحلیل مضمون مورد بازکاوی قرار گرفته است (بابائی، ۱۳۸۷: ۷۷) که در آن ابتدا سخنان سپهد شهید، وصیت نامه شهید، سخنان امام‌خامنه‌ای و مصاحبه‌هایی که با هم‌زمان ایشان صورت گرفته است، مورد مطالعه قرار گرفت و مفاهیم اولیه و کلید واژه‌های مربوطه استخراج شد و سپس طبقه‌بندی بین کلید واژه‌ها صورت گرفته و مولفه‌های چهار گانه مدل مفهومی از آنها استخراج گردید و در نهایت راهبرد کلان حاکم بر اصول راهبردی مکتب سلیمانی استخراج شد که خلاصه آن در نمودار شماره ۲ ملاحظه می‌شود.



شکل شماره ۲: مراحل روش اجتهاد استقرائی در شکل گیری اصول راهبردی فرهنگی مکتب سلیمانی

جامعه آماری پژوهش

از آنجائی که پژوهش به روش اجتهاد استقرائی صورت گرفته است، بخشی از اطلاعات از طریق مطالعه سخنان به‌جامانده از شهید است و بخشی نیز از مطالعه سخنان رهبر معظم انقلاب که در مورد شهید گفته شده است و بخشی نیز از طریق مصاحبه با مسئولان و نخبگانی است که با سردار سابقه طولانی آشنایی داشتند و یا از نزدیک با ایشان کار کرده بودند. اطلاعات کامل جمعیت شناختی جامعه آماری پژوهش در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره: ۱ بخشی از جامعه مصاحبه شونده

ردیف	اسامی مصاحبه شونده‌ها
۱	سردار دکتر حسین علائی
۲	سردار دکتر محمدعلی بارانی
۳	جناب سرهنگ حسین عباسی
۴	سردار محمد شیرازی
۵	محمدعلی فتاحی
۶	سردار دکتر نواب اصفهانی
۷	سردار داریوش بهمنی
۸	دکتر حسین خنیفر
۹	امیر موسوی
۱۰	حجت الاسلام دکتر حسن علی اکبری
۱۱	محمود سنگاوی
۱۲	حسن پلارک
۱۳	سردار دکتر اصغر صالح اصفهانی
۱۴	سردار رحیم نوعی اقدم
۱۵	سید حسن نصرالله
۱۶	آیت الله رئیسی
۱۷	سردار دکتر حجازی
۱۸	سردار سلامی
۱۹	دکتر ابوالحسنی
۲۰	جناب سرهنگ غلامی پور
۲۱	حجت السلام شیرازی

یافته‌های تحقیق

حاج قاسم از منظر رهبر معظم انقلاب

مقام معظم رهبری در موارد مختلف پیرامون سیدالشهدای مدافعین حرم صحبت کرده‌اند که تنها به چند مورد از آن اشاره می‌شود و سپس جمع‌بندی آن را با تاریخ بیانات

ایشان در قالب شکل شماره ۳ تجمیع شده است آورده می‌شود که در جمع بندی اصول از آن استفاده کردیم

سالها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی ترین آحاد بشر بر زمین ریخت... او نمونه‌ی برجسته‌ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود؛ او همه‌ی عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراندید (پیام رهبری به مناسبت شهادت سردار دلها، ۱۳/۱۰/۹۸). حاج قاسم باید همین جور به شهادت می‌رسید. خوشا به حال حاج قاسم که به آرزویش رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می‌ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود (بیانات در منزل حاج قاسم سلیمانی، ۱۳/۱۰/۹۸).



شکل شماره ۳: ویژگی های اصول حاکم بر راهبرد فرماندهی و مدیریت حاج قاسم از منظر امام خامنه‌ای

جدول شماره ۲ بخشی از شاخص‌های اصول راهبرد فرهنگی، برآمده از وصیت نامه سپهبد شهید

ردیف	سخن و کلام	مضامین پایه
۱	شهادت می‌دهم که قیامت حق است، قرآن حق است، بهشت و جهنم حق است، سؤال و جواب حق است، معاد، عدل، امامت، نبوت حق است.	باور به آخرت، قرآن، حقانیت بهشت و جهنم و عدالت الهی
۲	خداوندا! تو را شکرگزارم که پس از عبد صالحت خمینی عزیز، مرا در مسیر عبد صالح دیگری...، خامنه‌ای عزیز.. قرار دادی... اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه‌ای عزیز را جان خود بدانید، حرمت او را مقدسات بدانید.	ولایت فقیه ولایت عملی در التزام به فرامین
۳	این ولایت، ولایت علی بن ابی طالب است و خیمه او خیمه حسین فاطمه است، دور آن بگردید.	ولایت امیرالمومنین (ع)
۴	اول آنها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ یعنی این که نصیحت او را بشنوید، با جان و دل به توصیه و تذکرات او به عنوان طیب حقیقی شرعی و علمی، عمل کنید... کسی که در جمهوری اسلامی می‌خواهد مسئولیتی را احراز کند، شرط اساسی آن... ولایت عملی است	ولایت عملی به امام‌خامنه‌ای
۵	مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست... تو خود می‌دانی دوست دارم. خوب می‌دانی جز تو را نمی‌خواهم. مرا به خودت متصل کن... معبود من، عشق من و معشوق من، دوست دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن چنان که شایسته تو باشم.	عشق به خدا و دیدار او
۶	امروز قرارگاه حسین بن علی، ایران است. بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرم‌ها می‌مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی‌ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمدی (ص)... اساس دشمنی جهان با جمهوری اسلامی، آتش زدن و ویران کردن این خیمه است، دور آن بچرخید.	اعتقاد به جمهوری اسلامی پاینداری جمهوری اسلامی ایران
۷	والله والله والله این خیمه اگر آسیب دید، بیت الله الحرام و مدینه حرم رسول الله و نجف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد باقی نمی‌ماند؛ قرآن آسیب می‌بیند... در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، اینها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.	حفظ جمهوری اسلامی

ردیف	سخن و کلام	مضامین پایه
۸	اعتقاد حقیقی به جمهوری اسلامی و آنچه مبنای آن بوده است؛ از اخلاق و ارزش‌ها تا مسئولیت‌ها؛ چه مسئولیت در قبال ملت و چه در قبال اسلام	احساس مسئولیت در قبال ملت و اسلام
۹	جمهوری اسلامی و ارزش‌ها و ولایت فقیه میراث امام خمینی (رحمة الله علیه) هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند... راه صحیح، حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی فقیه است.	ولایت فقیه
۱۰	شهادت، محور عزت و کرامت همه ما هستند؛ نه برای امروز، بلکه همیشه اینها به دریای وسعه خداوند سبحان اتصال یافته‌اند. آنها را در چشم، دل و زبان خود بزرگ ببینید، همان‌گونه که هستند. فرزندان را با نام آنها و تصاویر آنها آشنا کنید....	حفظ حرمت شهدا
۱۱	اگر عمل شما و کلام شما یا مناظره‌هایتان به نحوی تضعیف‌کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام و شهدای این راه هستید؛ مرزها را تفکیک کنید. اگر می‌خواهید با هم باشید.	تمسک به دین و آرمان‌های انقلاب
۱۲	به‌کارگیری افراد پاک‌دست و معتقد و خدمتگزار به ملت، نه افرادی که حتی اگر به میز یک دهستان هم برسند، خاطره خان‌های سابق را تداعی می‌کنند.	به‌کارگیری افراد پاک‌دست و معتقد و خدمت‌گزار به ملت
۱۳	در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود خدمت‌گزار واقعی، توسعه‌گر ارزش‌ها باشند، نه با توجیحات واهی، ارزشها را بایکوت کنند....	مردم‌داری و احترام به آنها
۱۴	مسئولین همانند پدران جامعه می‌بایست به مسئولیت خود پیرامون تربیت و حراست از جامعه توجه کنند	نگاه‌پدرانه مسئولین
۱۵	ملاک مسئولیت‌ها را برای انتخاب فرماندهان، شجاعت و قدرت اداره بحران قرار دهید.	شجاعت و قدرت اداره بحران
۱۶	شناخت بموقع از دشمن و اهداف و سیاست‌های او و اخذ تصمیم بموقع و عمل بموقع	واقع‌نگری به دشمن، اهداف و سیاست‌ها تصمیم بموقع و عمل بموقع

جدول شماره ۳: بخشی از شاخص‌های اصول راهبرد فرهنگی مکتب سلیمانی از منظر دیگران

ردیف	کلام	مضامین پایه
۱	سلیمانی فرد بسیار بزرگی از نظر اخلاص و عمل صالح بود (سردار دکتر حسن علانی)	اخلاص در گفتار و عمل
۲	ارتباط نزدیک با نیروهایش داشت حتی با خانواده آنها تماس می‌گرفت (سردار دکتر محمدعلی بارانی)	ارتباط نزدیک با نیروها
۳	قاسم در برابر دشمنان همچون کوه استوار بود. او از امیرمؤمنان آموخته بود که در میدان جنگ، کاسه‌های سر را باید به خدا هدیه داد. زره قاسم پشت نداشت و هرگز به دشمنان پشت نمی‌کرد (سلامی)	استقامت علوی گونه
۴	او به جای اینکه در تهران بشیند به لبنان و خطوط اول جنگ می‌رفت و از نزدیک با برادران صحبت می‌کرد و اطلاعات را می‌گرفت ... که باعث می‌شد کمک می‌کرد ذهنیت عمیق تر و گسترده تری در مسئولیت داشته بود (سید حسن نصرالله)	اطلاعات میدانی
۵	ایشان فردی بودند که به راحتی بدون رودروایستی و رک انتقاد می‌کردند (حسین عباسی)	انتقاد کننده و انتقادپذیر
۶	شهید سردار سلیمانی از نفس خود عبور کرد و بر آن غالب شد (سردار محمد شیرازی)	عبور از نفس و خود
۷	سردار سلیمانی بر اساس منطق قدرت، نخست منابع مادی را تقویت کرد، سپس سعی کرد هر کشنگری در قواعد ملی و محلی کشورش رشد کند؛ یعنی هر کسی در نسخه بومی خود رشد کند. او پایه‌های قدرت را بر اساس نسخه بومی کشورها تثبیت کرد. (محمد فتحعلی)	تاکید بر قدرت بومی و محلی
۸	کارهای ایشان برپایه مطالعات علمی بود یعنی تصمیم‌های که می‌گرفتند پایه علمی داشت و از یک پشتیبانی تحقیقاتی برخوردار بود (نواب اصفهانی)	تصمیم با پشتیبان علمی
۹	همیشه نیروها و یگانهای عمل کننده را ترغیب و تهییج می‌نمود که نباید با همه مشکلات تسلیم دشمن شوند. اساسا جنگ را تقابل اراده‌ها می‌دانست به همین دلیل بدنبال انجام ناممکن‌ها در صحنه عملیات بود... (سردار بهمنی)	جنگ اراده‌ها
۱۰	سردار سلیمانی ادبیات و شیوه‌های دشمن را به دقت می‌شناخت. او رفتار دشمن در برابر حرکات ما را پیش‌بینی می‌کرد و تشخیص می‌داد (رحیم نوعی اقدم)	دشمن شناسی عملیاتی
۱۱	راهبرد حاج قاسم راهبرد مقاومت است (آیت الله رئیسی)	راهبرد مقاومت
۱۲	در هر کاری باید حرفه ای عمل کرد که مصادیق آن در زندگی شهید سلیمانی خیلی زیاد است (دکتر حسین خنیفر)	عمل حرفه ای
۱۳	فرامذهبی و فراقومیتی بود و بر اهداف بزرگ‌تر تاکید داشت (امیر موسوی)	فرامذهبی و فراقومیتی

ردیف	کلام	مضامین پایه
۱۴	قاعده شکنی از خصوصیات بارز ایشان بود و به معنای واقعی آتش به اختیار عمل می‌کرد (حجت الاسلام و المسلمین حسن علی اکبری)	قاعده شکنی
۱۵	قاسم سلیمانی یک فرمانده عالی‌رتبه بود و می‌توانست از دور دستوراتی را بدهد و در میدان هم حضور نداشته باشد اما در تمامی جبهه‌ها حضور داشت و تا زمانی که جلولا و سعدیه و دیگر مناطق را آزاد کردیم با ما بود (محمود سنگاوی)	مدیریت میدانی
۱۶	بعد از این که مردم اطمینان کردند و اسلحه‌ها را تحویل دادند، حاج قاسم گفت اینها که به ما اطمینان کردند، باید برایشان کاری کنیم و زمین‌ها را آماده کرده و تحویل مردم دادند (حسن پلارک)	مردم داری
۱۷	وقتی صحبت از نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدیدها می‌کرد همه متأثر از مطالعه میدانی و از نزدیک بود (سردار دکتر اصغر صالح)	مطالعه میدانی
۱۸	می‌توان قوه تمیز حق و باطل را در وجود این سردار بزرگ دید. خداوند دریچه‌هایی از دانایی و روشن‌بینی را برای ایشان باز کرد. (محمد فتحعلی)	واقع بینی
۱۹	نفس او الهام گرفته از ایمان به اهل بیت (ع)، امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب اسلامی است (رحیم نوعی اقدم)	ولایت‌مداری

جدول شماره ۴: شاخص‌های برآمده از سخنان نخبگان و مسئولان

اصغر صالح	مدیریت میدانی	راهبرد خلافتانه	اطلاعات میدانی	توسل و توکل	مدیریت مقتدرانه اخلاقی مدار	مدیریت برانگیخته‌اننده	مدیریت شجاعانه به همراه تدبیر	مدیریت وقتی بی وقته	مدیریت بین الملل مردمی	چتر گسترده فکری و مذهبی	تفکر راهبردی ولایی
بارانی	ارتباط نزدیک با نیروها	روحیه سپاهی اولیه	صمیمی	برخورد	ایمان عمیق به خدا	اخلاص در عمل	دوری از شهرت	ندبیر و پشتکار	شهادت طلبی	تواضع	مناجات
آیت الله رئیسی	اخلاص	اندیشه و عمل کردن	انقلابی بودن	عقلانیت	بصیرت	دورانلدیشی	عقل حسابگر	نداشتن روح تسلیم در مقابل دشمن	ولایت‌مداری		
فتحعلی	دانایی الهی	روشن‌بینی الهی	دلسوزی	شهامت	تکیه بر توان بومی	آینده‌نگر	عمل به دین	تبعیت از رهبری			
نوعی اقدم	توکل	ریسک‌پذیری	اخلاص	شهامت	استقامت	از خود گذشتگی	نیروهای متحد و مقاوم				
علی اکبری	قاعده شکنی	آتش به اختیار	اخلاص	ولایت‌مداری	دشمن‌شناسی عملیاتی	رابطه	روحیه پاسداری				
ابوالحسنی	آرامش	انگیزه الهی	اخلاص	مناات	دلسوزی	صبر	اراده قوی				
سنگاوی	آرامش	مناات	جدیت	احترام به طرف مقابل	فراقومی	فرامذهبی					
حسین عباسی	اخلاص	محبت	تیزبینی	شجاعت	دلسوزی	ولایت‌مداری	روحیه انتقادی	انس با قرآن			
ختیفر	آرامش	احترام	آساده زبانی	جهان‌وطنی	شاهد ناظر	توکل و دوراندیشی	ارتباط صمیمی				
نواب اصفهانی	تصمیمات علمی	نگاه علمی	اخلاص	بی‌گیری	میزهای تخصصی	نگرش راهبردی	تفکر راهبردی				
باقری کنی	ادب نفس	ادب رزم	ادب استقامت	ادب نفس	ادب سربازی	اخلاص					
امیر موسوی	فرامذهبی	فراقومی	فراسیاسی	فراحرزی	رسالت انسانی	اخلاص	مدیریت مردمی	شجاعت			
حسین عباسی	اخلاص	محبت	تیزبینی	دلسوزی	انس با قرآن	شجاعت	روحیه انتقادی	اراده			
دکتر علانی	اخلاص	واقع‌نگر	ساده زبانی	عمل صالح	عمل گرا	با تدبیر					
سردار بهمنی	میدانی بودن	ارتباط عاطفی	اخلاص	نگاه راهبردی	تصمیمات میدانی	جنگ اراده‌ها					
شیرازی	شجاعت	خوش فکر	عبور از نفس خویش	پای کار و فعال	افتادگی و تواضع						

مفاهیم اساسی و اصول راهبردی فرهنگی مکتب سلیمانی

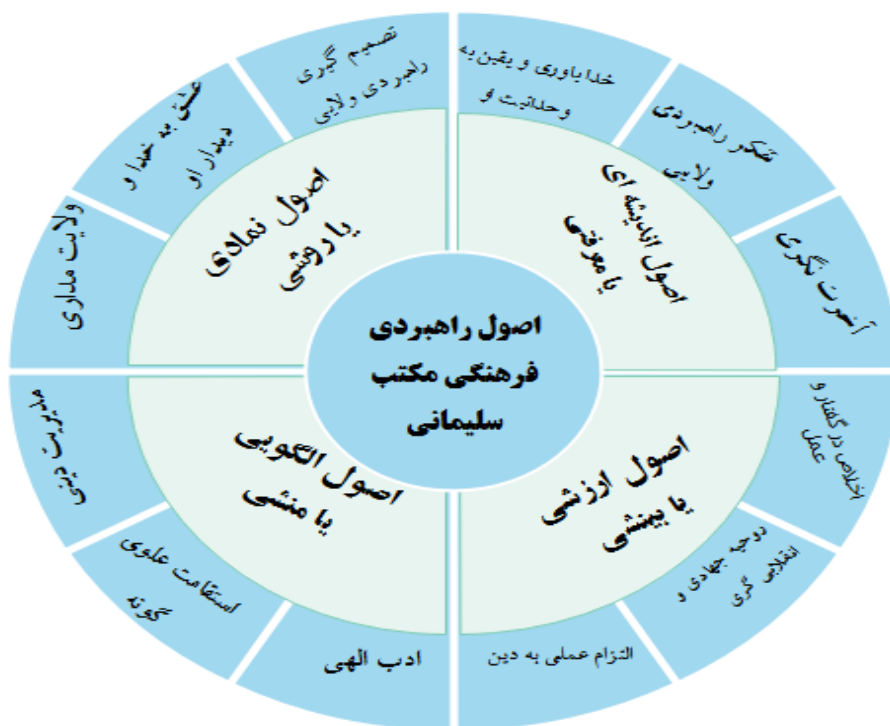
براساس آنچه از جداول و تحلیل محتوای سخنان شهید و دیگران برمی آید، می توان اصول حاکم بر مکتب سلیمانی را با توجه به مدل مفهومی که قبلاً ارائه شد، به شکل زیر خلاصه نمود:

جدول شماره ۵: مفاهیم اساسی اثر گذار در اصول راهبردی

اصول راهبرد فرهنگی مکتب سلیمانی	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
اصول اندیشه‌ای یا معرفتی	باور وجود خداوند، باور به وحدانیت خدا، باور به حضور الهی و بصیرت الهی	خدا باوری و یقین به وحدانیت او
	آینده‌نگری و نگاری، بصیرت (واقع بینی عمل گرا)، تاکید روی مسائل اصلی و مرکزی، چتر گسترده ایدئولوژیکی و فکری، دشمن شناسی عملیاتی، راهبردهای خلاقانه، فرا مذهبی و ملی و فراقومیتی، فراسیاسی و فرا جناحی، مردم باوری و واقع بینی در شناخت حق و باطل	تفکر راهبردی ولایی
اصول ارزشی یا بینشی	باور به آخرت، بهشت و جهنم، باور به وجود برزخ و قیامت، عدالت الهی و شهادت طلبی	آخرت‌نگری
	وحدت در گفتار و عمل، متظاهر نبودن، تواضع و فروتنی در برخوردها، جنگ اراده‌ها	اخلاص در گفتار و عمل
اصول الگویی یا منشی	تمسک به دین و آرمان‌های الهی، التزام عملی به دین، رعایت حدود الهی، تواضع و فروتنی در برخوردها، هماهنگی در گفتار و عمل	التزام عملی به دین
	انقلابی‌گری، انتقاد کننده و انتقادپذیر، خستگی ناپذیری، استقامت در کار، ریسک‌پذیر و انقلابی بودن	روحیه جهادی و انقلابی‌گری
اصول الگویی یا منشی	استقامت علوی گونه / به‌کارگیری افراد پاکدست و معتقد و خدمتگزاری به ملت / مدیریت با خروجی بالا و بی ادعا/ مدیریت شجاعانه به همراه تدبیر، / راهبرد مقاومت / عقلانیت / استقامت در کار	استقامت علوی گونه
	هدایت قرآنی / مدیریت وقفی بی وقفه / مدیریت دینی / مدیریت برانگیزاننده / مدیریت بین الملل مردمی / مدیریت زمان	مدیریت دینی
	رعایت ادب در وجوه مختلف / رسالت انسانی - اسلامی / ارتباط صمیمی با مردم / برخورد صمیمی و ارتباط ارتباط عاطفی و نزدیک با نیروها / تقوا و ادب دینی	تقوا و ادب الهی

عشق به خدا و دیدار او	عمل حرفه‌ای / شجاعت و قدرت اداره بحران / تابع حقایق تا خواست‌های نفسانی، پی‌روایی در کارها/ خستگی‌ناپذیری	اصول نمادین یا روشی
ولایت‌مداری (ولی فقیه)	اعتقاد به جمهوری اسلامی و پایداری جمهوری اسلامی ایران / ولایت عملی در التزام به فرامین و تدابیر امام‌خامنه‌ای / مدیریت به همراه زدودن غم از ولایت / واقع‌نگری به دشمن، اهداف و سیاست‌ها	
تصمیم‌گیری راهبردی ولایی	نگاه راهبردی / تیزبینی / تصمیم به موقع و عمل به موقع / واقع‌نگری عمل‌گرا / مطالعه میدانی / تاکید بر قدرت بومی و محلی / مدیریت راهبردی واقع بینانه / شجاعت و تدبیر در عمل / عقلانیت	

اصول راهبردی فرهنگی مکتب سلیمانی



اصول راهبردی فرهنگی مکتب سلیمانی

بنابر یافته‌های تحقیق، اصول راهبردی فرهنگی حاکم بر مکتب سلیمانی به شکل زیر خواهد بود که به مقتضای مقاله، هر کدام با اختصار توضیح داده می‌شود.

اصول اندیشه‌ای یا معرفتی

این اصول خروجی عقل نظری و از جنس معرفتی است که گروهی اجزای آنرا باور: دق و توجیه می‌دانند (شمس، ۱۳۸۴: ۸۲) که از نوع نگاه به خدا، خود، دیگران و جهان اطراف هویت می‌گیرند (بابائی، ۱۳۹۴: ۴۵) این اصول در حکم نیرویی است که قوای محرکه را به حرکت در می‌آورد. از این رو نوع حرکت و چگونگی آن وابسته به نیرویی است که به قوای محرکه داده می‌شود. به‌طور طبیعی انسانی که موتور محرکه آن از اندیشه توحیدی و الهی قوت گیرد، فعالیت، قدرت محرکه، دامنه و گستره آن متفاوت از انسانی خواهد بود که قوای حرکتی خود را از اندیشه دنیایی و مادی سرچشمه می‌گیرد و خود را محدود به دنیا می‌بیند.

مطالعه اجتهادی استقرائی در وصیت نامه، سخنان سپهد شهید و سخنانی که از ناحیه مقام معظم رهبری و دیگران در خصوص این شهید بزرگوار بیان شده بیانگر این است که محتوای اندیشه‌ای او حاکی از سه اصل اساسی خداباوری و یقین به وحدانیت او، تفکر راهبردی الهی و آخرت‌نگری و یقین به زندگی بعد از مرگ به شرح زیر می‌باشد.

اصل خداباوری و یقین به وحدانیت او

این اصل دانشی، شامل باور و ایمان به وجود خداوند، وحدانیت او و حضور الهی و بصیرت الهی است. عموم انسان‌ها خدا را می‌پذیرند و اعتراف دارند که ما را خدایی آفریده است (عنکبوت: ۶۱)، ولی در ربوبیت او یا شک دارند و یا به آن یقین ندارند.

با توجه به نوع انگاره‌هایی که فرماندهان مکتب سلیمانی از خدا و امام زمان علیه السلام و امام‌خامنه‌ای دارند و به آن ایمان و یقین داشته و خدا را در خود می‌یابند، مانند کسی که در مشکلات امیدش از همه جا بریده است (اسراء: ۶۷)، از این رو مثل مالک حرف می‌زنند و عمل می‌کنند و می‌سوزند و در دفاع از حرم و حریم اولیای الهی، در راه ولایت فقیه جانبازی می‌کنند و بالاتر از همه اینها در امام‌خمینی ذوب شده و همان سوز را پای امام‌خامنه‌ای می‌ریزند.

این اشتیاق را می‌توان در سکناات و گفتمان این نوع فرماندهان دید که نمونه‌اش را در آخرین دل نوشته‌های سپهبد شهید و در آخرین لحظات عمرش می‌بینیم که پایش سه امضا زده است که «خداوندا عاشق دیدارتم همان دیداری که موسی را ناتوان از ایستادن و نفس کشیدن نمود» یعنی او به خوبی می‌دانست که رخ یار دیدن نیازمند پاکی نفس و دل است که قرآن بدان اشارت دارد: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (الواقعه: ۷۹) و او از خداوند تمنای آن را می‌کرد و دوبار می‌نویسد و پایش را امضا می‌کند که «خداوندا مرا پاکیزه بپذیر» و گویا برایش عیان شده بود که به زودی دیدار معشوق حاصل خواهد شد. پس می‌نویسد مرا به حال خودم مگذار «الهی لاتکلنی الی نفسی» چرا می‌دانست که شیطان در کمین است و هر آن انسان را منحرف و نفس را آلوده می‌کند و لذا می‌نویسد «خداوندا مرا بپذیر» اما پذیرشی که به دیدار معشوق منتهی شود که شرط آن پاکی نفس است که تمنای آن را از خدا می‌کند و همین اشتیاق در وصیت نامه ایشان که به نظر بنده شوق نامه است متجلی است. «معبود من، عشق من و معشوق من، دوستت دارم. بارها تو را دیدم و حس کردم، نمی‌توانم از تو جدا بمانم. بس است، بس. مرا بپذیر، اما آن‌چنان که شایسته تو باشم» (وصیت نامه شهید).

اصل تفکر راهبردی ولایی

دومین اصل از اصول دانشی مکتب سلیمانی، تفکر راهبردی است؛ فرماندهان مکتب سلیمانی دارای مدل خاصی هستند که آن را سایر تفکرات مرسوم در کتاب‌ها جدا می‌سازد. آنها به خوبی می‌دانند که تفکر صحیح و شناخت دقیق و عمیق از مسائل، رمز موفقیت در کارهاست. آنها افکارشان را با ولایت می‌سنجند و صحت و سقم آنرا با او تنظیم می‌کنند و هر چه خلاف آن باشد دور می‌ریزند (بابانی، ۱۳۹۷).

افکار آنها در دامنه‌ای شکل می‌گیرد که با دیگران فرق دارد؛ آنها عشق کار شبانه را از میان ناله‌ها و گریه‌های نیمه شب به دست می‌آورند. بنابراین یا در جلسه هستند یا در میدان جنگ، یا در راز و نیاز و مناجات و ذکر خدا یا در حال عبادت و نماز شب و نافله، یا اینکه در حال تلاوت قرآن و تدبر در قرآن هستند. به مصداق کامل کلمه، اینگونه افراد، مدیر و فرمانده جهادی هستند.

آنها اعتقاد دارند فرصتی که در بحران خوابیده است بیش از فرصتی است که در خود فرصت است به شرطی که نترسید، نترسیم و نترسانیم (خبرگزاری بین المللی قرآن، جهاد دانشگاهی، ۱۴ اسفند ۱۳۹۸).

مهم ترین شاخص پذیرش اطلاعات در تفکر راهبردی ولایی، پژوهش های تخصصی و میدانی و رهنمودها و تدابیر رهبری و میزان دقت و کیفیت شناخت دشمن می باشد؛ چون به خوبی به این سخن مولایشان ایمان دارند که «لَا تَسْتَصْرِغَنَّ عَدُوًّا وَ إِنِّ ضَعْفٌ» (غرالحکم: ۷۴۷) «هرگز دشمنی را کوچک بشمار، هرچند ضعیف باشد». یا «آفَةُ الْقَوَى إِسْتِضْعَافُ الْخَصْمِ» (غرالحکم ج ۵ حدیث ۳۴۷) «آفت قدرتمند، ضعیف شمردن دشمن است.» و به بیان امام جواد علیه السلام کسی که نقشه ها و مواضع کلیدی دشمن را نشناسد، در رسیدن به هدف عاجز خواهد ماند. «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْمَوَارِدَ أَعْتَبَهُ الْمَصَادِرُ» (بحار الانوار، ج ۶۸: ۳۴۰).

تفکر راهبردی ولایی را در تحقیقی بر پایه قرآن و سنت مبتنی بر پنج عامل و مولفه: اتصال تدبیر (جامع نگری یا نگرش نظام مند)، دور اندیشی (تدبیر) (توجه با آینده مطلوب، عبرت جویی از وقایع، دور اندیشی و آخربینی) حکمت (تفکر عمیق و صحیح) آرمان خواهی (داشتن هدف های عالی و ترسیم چشم انداز)، بصیرت (شناخت زمانه و محیط) و توجه به سنت های الهی (به عنوان قوانین ثابت و محتوم هستی) معرفی کرده اند (کبیری پور مهدی و دیگران، ۱۳۹۷).

اصل آخرت بینی و آخرت گرایی

آخرت بینی، بیانگر نگاه ماوراءطبیعی و پذیرش زندگی بعد از دنیا است و آخرت گرایی به معنای باور و یقین به آخرت و ظهور و بروز آن در زندگی است؛ یعنی بخش اول، خروجی عقل نظری و دومی، خروجی عقل عملی است که در آدمی انگیزه لازم برای طراحی زندگی بر پایه الزامات زندگی بعد از دنیا را فراهم می کند. عموم افرادی که در تشییع جنازه شرکت می کنند و حتی ناظر مراسم تدفین شده و برای او مراسم عزاداری باشکوهی نیز می گیرند، ولی به راحتی همان جا خلاف کرده و گناه می کنند، به خاطر این است که آنها آخرت بین هستند ولی آخرت گرا نیستند.

از منظر علمای بزرگ، مانند علامه طباطبائی (در تفسیر المیزان) شاه کلید خوبی‌ها پذیرش و یقین به آخرت و شاه کلید بدی‌ها نفی آخرت است. ساحت طبیعی و دنیایی انسان می‌خواهد بازدارنده‌ای نداشته باشد؛ هر کاری که دلش خواست انجام دهد «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ» (قیامه: ۵).

در مکتب سلیمانی تاکید می‌شود تنها راهی که انسان را به خدا می‌رساند در قرآن به صراط مستقیم یاد شده است. بخشی از این صراط در دنیا و بخشی در آخرت قرار دارد؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «و هما الصراط فی الدنيا و صراط فی الآخرة؛ صراط آخرت در امتداد این جاده‌ای است که به بهشت ختم می‌شود. شیخ صدوق (رضی الله عنه) بیانی دارند که و اما الصراط الذی فی الدنيا و هو الامام المفترض الطاعة؛ صراط در دنیا امامی است که اطاعت از او واجب است. نمی‌گویند امام معصوم در صراط است بلکه امام خود صراط است. در روایت دیگری وارد شده است که (الصراط المستقیم امیرالمومنین) صراط مستقیم امیرالمومنین علیه السلام می‌باشد. در ادامه امام صادق علیه السلام می‌فرماید «مَنْ عَرَفَهُ وَ اَقْتَدَى بِهَدَاهِ مَرَّةً عَلَی الصِّرَاطِ الذِّی هُوَ جِسْرٌ جَهَنَّمَ فِی الْآخِرَةِ؛ کسی که امام مفترض الطاعة را بشناسد و به هدایت او اقتداء کند، جواز عبور از جاده‌ای که پل جهنم در آخرت است را دریافت می‌کند» و اگر غیر از این را انتخاب کرد به جهنم می‌افتد (تفسیر نورالثقلین، ج ۱: ۲۱).

و ما این اعتقاد و پایبندی را به خوبی در فرمانده ارشد این مکتب می‌بینیم چه در زمانی که برای صداقت و ایمانش تائیدیه از علمای بزرگ مثل جوادی آملی می‌گیرد و یا وقتی که وصیت نامه می‌نویسد.

اصول ارزشی و بینشی مکتب سلیمانی

اصول ارزشی، بخش انگیزشی قوای محرکه ما را بر می‌انگیزاند و انسان را برای تحریک اعضا و جوارح و می‌دارند تا کاری کند؛ تفاوت بین کسی که اعتقاد به خدا دارد و شهادت را تنها راه وصول به رسیدن و جاوادنگی می‌شناسد ولی در میدان جنگ از مواجهه با دشمن هراس دارد و خود را پشت خاکریز مخفی می‌کند، با کسی که بدون زره جنگی با دشمن

مواجهه شده و او را حیدر کرار می‌نامند (ابن شعبه، ۱۳۸۱: ۳۴۱)، به میزان انگیزش الهی افراد و درجه و شدت آن برمی‌گردد که اوج آنها را در معرکه‌های جنگ و حضور در خطرات و در نهایت در وصیت نامه می‌بینیم: «این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت - به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت... به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیانش، سربازانش، همکارانش در ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، بود» (بیانات رهبری در دیدار مردم قم ۱۸ / ۱۰ / ۹۸). «سردار شهید سلیمانی کسی بود که با شجاعت مثال‌زدنی در صفوف مقدم و در خطرناک‌ترین جایگاه‌ها حضور می‌یافت و شجاعانه می‌جنگید» (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷ / ۱۰ / ۹۸).

این اصول در مکتب سلیمانی در سه اصل راهبردی التزام عملی به دین، اخلاص در گفتار و عمل و روحیه جهادی و انقلابی، تجمیم شده که به اختصار به شرح آن می‌پردازیم.

اصل راهبردی التزام عملی به دین

فرمانده مکتب سلیمانی یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه‌ی نظامی است و در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی در میدان جنگ است. گاهی افراد حدود الهی را فراموش می‌کنند، می‌گویند وقت این حرف‌ها نیست؛ ولی فرمانده این مکتب همواره مراقب است تا آنجایی که نباید سلاح به کار برود، سلاح به کار نبرد؛ مراقب است که به کسی تعدی نشود، ظلم نشود؛ احتیاط‌هایی می‌کند که معمولاً در عرصه‌ی نظامی، خیلی‌ها این احتیاط‌ها را لازم نمی‌دانند. به دهان خطر می‌رود اما جان دیگران را تا می‌تواند حفظ می‌کند؛ مراقب جان نزدیکانش، اطرافیانش، سربازانش، همکارانش در ملت‌های دیگر که در کنار او بودند، می‌باشد (بیانات رهبری در دیدار مردم قم، ۱۸ / ۱۰ / ۹۸).

ایمان فرمانده و مدیر این مکتب مصداق بارز کلامی است که از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است که ایمان همان انجام وظایف و اجتناب از گناهان است که در قلب رسوخ یافته و به زبان جاری و در رفتارها، خودنمایی می‌کند «الْإِيْمَانُ أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ الْإِيْمَانُ هُوَ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ۴۲۲). یا در

جای دیگر ایمان را همان تسلیم و تسلیم را یقین و یقین را تصدیق و تصدیق را اقرار و اقرار را اداء و اداء را عمل می‌شناسد؛ یعنی ایمان همان عمل و التزام به مقیدات دین و شریعت اسلام است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۸)

نماز نماینده مکتب سلیمانی در کاخ کرملین، نشان از تعهد ایشان به واجبات در وقت خود است. ایشان وقتی به کاخ کرملین رفته بود و با پوتین قرار داشت، تا رئیس جمهور روسیه برسد، وقت اذان شده بود. ایشان اذان و اقامه گفت و به نماز ایستاد. همه نگاهش می‌کردند. می‌گفت در طول عمرش چنین لذتی از نماز نبرده بود.

پایان نماز پیشانی‌اش را روی مهر گذاشته و با خدای خود چنین راز و نیاز می‌کند: «خدایا، این بود کرامت تو، یک روزی در کاخ کرملین برای نابودی اسلام نقشه می‌کشیدند، حالا من قاسم سلیمانی آمدم اینجا نماز خواندم.» (طهماسبی، ۱۳۹۸).

اصل راهبردی اخلاص در گفتار و عمل

اگر کسی عاشق خدا باشد، تنها کارها را برای او انجام می‌دهد؛ دیگر غیری برایش متصور نیست؛ عشق واقعی برای معشوق یعنی همه چیز برای او شدن و بودن. اگر در کاری غیر از خدا کس دیگری مطرح باشد و به ذهن بیاید، معلوم است که کار تنها برای خدا انجام نمی‌شود؛ چراکه انسان یک مرکز تفکر و عاطفه بیش ندارد و آن قلب انسانی است و لذا یکی بیشتر در آن جایی نمی‌گیرد « ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ » (الأحزاب: ۴) و قلب مومن عرش الرحمن است (مجلسی، ۱۴۰۴ ج. ۱۱: ۲۵۴) و وقتی خدا در قلب مومن حضور پیدا کند، دیگر جایی برای دیگران نخواهد بود؛ آن موقع است که کارها نیز برای خدا انجام می‌شود و خدا در رفتارها و گفتارهای آدمی متجلی می‌شود؛ که از آن به اخلاص یاد می‌شود.

ویژگی فرماندهان مکتب سلیمانی این است که سرباز «اسلام» هستند نه صرفاً سرباز «وطن». اگر خدمتی هم به وطن دارند، برای اسلام و خدا است. بنابراین «هرجا که مجاهدت خالصانه و مخلصانه باشد، نتیجه اش درخشش و تلالؤ خواهد بود. منتها مجاهدت خالصانه و مخلصانه، ممکن است برای خدا انجام گیرد، ممکن هم هست برای

غیر خدا انجام گیرد. اگر برای خدا انجام گرفت، همیشگی، ماندگار و زایل ناشدنی است؛ اما اگر برای غیر خدا انجام گرفت، ماندگار نیست.» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه - ۲۹/۰۶/۱۳۷۳).

این فرماندهان و مدیران، میزان خلوص خود را به میزان برخورداری از روحیه شهادت می‌دانند «بدانید تا کسی شهید نبود، شهید نمی‌شود. شرط شهید شدن، شهید بودن است.» این کلام تعبیر دیگری از روایت معروف «موتوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» (فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، ج ۴، ۴۱۲) است.

روحیه جهادی و انقلابی

در مکتب سلیمانی هر گاه به کسی مسئولیتی می‌دهند به او توصیه می‌شود: اگر بخواهید موفق شوید باید سه مطلب را در خود ایجاد، احیا و شکوفا سازید؛ یعنی انگیزه، اراده قوی و صبر. این سه از ویژگی‌های روحیه جهادی و انقلابی است که رهبر معظم انقلاب ورود به مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی در گام دوم انقلاب را در گرو داشتن آنها در مدیران جوان می‌شناسد (بیانیه گام دوم انقلاب).

روحیه‌ی جهادی یعنی اعتقاد به این که «ما می‌توانیم»؛ کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها (بیانات در دیدار کشاورزان ۱۳۸۴/۱۰/۱۴) و معنای روحیه‌ی انقلابی این است که یک انسان انقلابی، شجاعت داشته و اهل اقدام و عمل باشد؛ ابتکار ورزد؛ بن‌بست‌شکنی کند؛ گره‌گشایی کند؛ از چیزی نترسد؛ به آینده امیدوار است؛ به امید خدا به سمت آینده‌ی روشن حرکت کند (بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۵/۱۲/۰۸).

نگاه فرماندهان این مکتب به تحولات منطقه‌ای، نگاهی آینده‌گرایانه و بر اساس واقعیت‌های میدانی است و ذره‌ای در وجود آنها، تملق و چاپلوسی دیده نمی‌شود؛ آنها حتی یک لحظه نان را به نرخ روز نمی‌خورند. در مقطعی که علیه آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی، فضای تخریب درست کرده بودند و بعضی‌ها در تخریب ایشان مسابقه گذاشتند و به او انواع و اقسام تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا بستند، اما فرمانده ارشد این مکتب، بی‌اعتنا به این بازی‌های غیر اخلاقی، خیلی راحت و ساده آمد و گفت: «هاشمی، همان هاشمی اول

بود، همان حال را که اول داشت تا آخر داشت؛ منتهی ایشان بعضی وقت‌ها تاکتیک‌هایی داشت که در دوره‌های گوناگون هم داشت؛ هاشمی، هم استکبار ستیز بود و هم صهیونیست ستیز.» متأسفانه این سخنان برای تندروها خوش نیامد (روزنامه رسالت، ۲۲ دی ۱۳۹۵).

فرماندهان مکتب سلیمانی اعتقاد دارند به بهانه مسائل جناحی و گروهی نباید همدیگر را له کرد، چون در پایان راه، دیگر کسی برای انقلاب نمی‌ماند؛ چنانکه حاج قاسم به لهجه شیرین کرمانی می‌گفت: «ما کی رو برای خودمون گذاشتیم؟! این چه! اون راسته! این اصلاح طلبه! آن اصولگراست!، خب پس چه کسانی را می‌خواهید حفظ کنید؟!» او با همه ارتباط صمیمی داشت و شاید به هر دو طرف هم انتقاداتی داشت؛ ولی هرگز بروز نمی‌داد و نیاز هم نمی‌دید که چنین کند.

اصول منشی یا الگویی

آدمی برای انجام کارها نیازمند الگویی است که از آن تبعیت کند. آدمی بدون الگوی اجرایی توان ایجاد هیچ چیز را ندارد و اولین آدمی که دست به این کار زده است یا در اثر آزمون و خطاها و تجربیاتی بوده که ناشی از علوم دانشی و تجربی اوست یا اینکه از جای دیگری برایش ارائه می‌شود؛ وقتی قابیل، هابیل را کشت نمی‌دانست با جنازه او چکار کند و لذا خداوند برای اولین بار با فرستادن کلاغی به او آموزش داد (مائده: ۲۱) همین امر در ساختن کشتی نوح (المؤمنون: ۲۷) و حتی تربیت موسی علیه السلام به نوعی دیگر دیده می‌شود « أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي » (طه: ۳۹) یعنی همه اتفاقاتی که بر موسی علیه السلام هنگام تولد، انداختن در دریا و گرفتن آن توسط آسیه و ... برپایه الگویی بود که خدا رقم زده بود.

بنابراین انسان برای این که کارها و فرامین را به درستی انجام دهد، نیازمند این است که الگویی برای آن مشخص کند و الا هر اقدام او بر مبنای تفسیر و برداشت شخصی صورت می‌گیرد و هیچ کس نیز نمی‌تواند او را به خاطر این کار مقصر بشناسد؛ چراکه جواب منطقی این خواهد بود که برداشت من به این صورت بوده است و قرینه و شاهد و الگوی دیگری برای انجام غیر این نبود.

از این رو هر مکتبی برای این که پیروانش را در سبک و سیاقی که مورد نظر است حرکت دهد، نیازمند الگو است. حرکت در سیاق مکتب سلیمانی بر پایه تحلیل محتوای انجام شده در سه اصل مدیریت دینی، استقامت و پایداری علوی گونه و ادب الهی تجمیع شده است که مختصر توضیح داده می‌شود.

اصل راهبردی مدیریت دینی (علوی)

در مکتب سلیمانی هر کاری که می‌خواهید انجام دهید، باید اولاً مشروعیت آن مشخص شود؛ یعنی مشخص شود که این دستور از طرف ولی خدا در روی زمین صادر شده و مورد تایید آن مقام می‌باشد و ثانیاً الگویی برای اجرای بهینه آن تعیین شود. این منطق بر پایه اصلی در فرهنگ علوی بنا شده است که خداوند متعال در کنار ابزارهای درونی و بیرونی برای انسان آفریده و زمین و آسمان را به تسخیر او در آورده است (ابراهیم: ۳۳) تا چگونگی زندگی دنیوی و اخروی را خودش رقم زند (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۵).

اصل راهبردی استقامت و پایداری علوی

تحقیقات نشان دهنده این است که استقامت، بیشتر از هر عامل دیگری در رسیدن به اهداف در هر حیطه‌ای نقش دارد. همچنین نقش هوش، فقط ۳۰٪ است؛ ولی نقش استقامت و جان سختی بیش از ۶۰٪ سایر عوامل است.

در حکایتی نقل شده که «بوعلی شنویی» گفت که پیامبر^(ص) را در خواب دیدم. گفتم: «یا رسول الله! از تو روایت می‌کنند که تو گفتی: «شَیْبَتِنِی سُوْرَةُ هُوْدٍ» سوره هود مرا پیر کرد. چه چیز در این سوره بود که شما را پیر کرد؟ قصه‌های پیغمبران یا هلاک امتان؟» گفت: «نه این ونه آن. ولیکن آنکه گفت: «فَاسْتَقِمْ کَمَا أُمِرْتَ.» و گفته اند: استقامت را کسی طاقت ندارد؛ مگر بزرگان؛ زیرا که استقامت، بیرون آمدن است از عرف و عادت و رسم و قیام کردن به فرمان خدای عزوجل بر حقیقت صدق باشد و به این جهت بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت: «اسْتَقِیْمُوا وَکُنْ تَحْصُوا، راسِتْ بَاشِیْد وَنَتَوَانِیْد» (قشیریه، ۱۳۷۴: ۳۱۹-۳۲۰).

علامت استقامت، آن است که آدمی تحمل کند آنچه را که بر او وارد می شود، مانند گیاه ضعیف با هر بادی متزلزل نگردد و چون موش و روباه با هر حرکت پایی به چپ و راست نرود؛ بلکه چون کوه پا برجای که چون بادهای مخالف بر او وزد التفات نکند و چون شیر قوی پنجه از حمله دلاوران رو نگرداند (نراقی، ۱۳۴۸: ۲۱۷)

در مکتب سلیمانی برای این که بتوان مدیریت دینی بر پایه فرهنگ علوی داشت، باید مدیران و فرماندهان در قبال دین و تدابیر ولی فقیه زمان، پایداری از خود نشان دهند و در مقابل خواسته‌های نفسانی، مشکلات کاری، طعنه‌های دیگران و گناهان، استقامت نشان دهند تا به اهداف متعالی دست یازند.

اصل تقوا و ادب اسلامی

ادب واژه‌ای است عربی به معنای خواندن و به همین جهت، عرب به کسی که مردم را برای اطعام دعوت می‌کند «آدب» گوید. ابن منظور می‌گوید: «اصل [آدب] دعا و خواندن است و ادب گفته شده، به خاطر اینکه مردم را به سوی خوبی‌ها می‌خواند و از بدی‌ها نهی می‌کند» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق). علامه طباطبائی معتقد است: «ادب، ظرافت در عمل است» (طباطبائی، ۱۳۶۳).

ظرافت و زیبایی عمل ممکن است نزد افکار و اندیشه‌های جوامع مختلف بشری متفاوت باشد. در فرهنگ علوی ظرافت و زیبایی عمل بستگی به میزان مراعات آموزه‌های دینی است. مثلاً وقتی گفته می‌شود «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (الحجرات: ۱۳)؛ یعنی زیباترین شما و پذیرفته‌ترین شما نزد خداوند کسی است که تقوا داشته باشد و تقوا یعنی میزان پایبندی به دستورات دینی؛ اینکه آدمی مراقبت کند تا در مسیری حرکت کند، کاری کند، سخنی گوید و رفتاری از او سرزند که مطابق دستورات و آموزه‌های دینی باشد.

در مکتب سلیمانی عمل انسان وقتی ظریف و زیبا جلوه می‌کند که نخست: از نظر شرع مقدس اسلام منع نشده باشد، وانگهی: شرع به انجام آن توصیه کرده باشد، سپس: با اختیار و به تناسب وضعیت و موقعیت انجام شود و در مرحله چهارم از طرف ولی فقیه زمان، تاییدیه داشته باشد.

اصول نمادی یا روشی

مقصود از نماد ظهور بیرونی گفتمان، فکر، ارزش و رفتار یا منش است. مثلاً وقتی گفته می‌شود مومنان باید نماز بخوانند «اقیموا الصلوه»، این یک دستور است تحقق آن نیازمند چارچوب و قالبی است؛ آیا با رفتن به کنیسه و کنار دیوار ایستادن و اذکاری را گفتن مقصود خدا تامین است؟ یا روزهای یکشنبه به کلیسا رفتن و اذکاری را با ریتم خاص ادا کردن، این مقصود تامین می‌شود؟! خداوندی که این دستور را داده است، می‌فرماید: مقصود من با قالب و چارچوبی تامین می‌شود که به حبیب و رسولم گفته‌ام، مرا با آن نماز بخوانید که حبیبم با آن نماز می‌خواند. «صَلُّوا كَمَا صَلَّيْتُ» (خصیصی، ۱۴۱۹ ق: ۱۲۱). همین امر در اعلان به نماز با شیپور یا نواختن ناقوس یا برافراشتن پرچم بود که پیامبر اکرم (ص) هیچکدام را نپذیرفت (سنن ابی داوود: ج ۱: ۱۳۴ ح ۴۹۸، السنن الکبری: ج ۱: ۵۷۴ ح ۱۸۳۴) تا اینکه نماد اذان فراخوان مردم به نماز شد. بر اساس وحی بر پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله تعلیم شده بود که به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام اولین بار اذان گفته و سپس در مدینه به بلال یاد داده شد و ایشان اذان گفتند (الطوسی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۸۴).

می‌توان گفت که اصول راهبردی نماد و روشی در واقع چکیده، میوه و محصول اصول اندیشه‌ای، ارزشی و الگویی است و نمود اینها در نماد متجلی می‌شود و لذا هر گونه انحراف و خلاف در این اصول در میوه خود را نشان می‌دهد؛ به معنای دیگر اختلاف در این اصل به خاطر انحراف‌هایی خواهد بود که در سه اصل قبلی ایجاد شده است. از این رو اصول نمادی خطوط قرمز مکتب سلیمانی و هر مکتب دیگر شناخته می‌شود و هر گونه تخطی در آنها به مفهوم تخطی در اصول قبلی است. چنانکه در کلام امیرالمومنین علیه السلام وارد شده است که اندیشه مانند آبی است که به درخت داده می‌شود که در میوه آن اثر می‌گذارد یعنی شیرینی میوه متأثر از آبی است که درخت داده می‌شود و هکذا تلخی رفتارهای افراد به تلخی و نوع اندیشه‌های مردم بر می‌گردد «وَالْمِيَاءُ مُخْتَلِفَةٌ فَمَا طَابَ سَقِيُّهُ طَابَ عَرْسُهُ وَ حَلَّتْ ثَمَرَتُهُ وَ مَا حَبَّتْ سَقِيُّهُ حَبَّتْ عَرْسُهُ وَ أَمَرَتْ ثَمَرَتُهُ» (خطبه: ۱۵۴) این اصول در مکتب سلیمانی در سه اصل عشق به خدا، ولایت فقیه یا ولایت مداری، و تصمیم‌گیری راهبردی ولایی تجمیع شده که به اختصار توضیح داده می‌شود.

اصل خدا محوری و عشق حقیقی به خدا

مهم‌ترین و شاخص‌ترین اصلی که بر فرماندهی و مدیریت مکتب سلیمانی سایه انداخته و باعث شده کارها بر فرماندهان و مدیران تسهیل شود و امورات را به نحو دیگری ببینند و تحلیل کنند، نوع نگاه و دیدی است که به خدا دارند؛ آنان واقعا عاشق خداوند بوده و همواره مترصد رسیدن به رضوان او می‌باشند.

یا ارحم الراحمین! مرا بپذیر؛ پاکیزه بپذیر؛ آن چنان بپذیر که شایسته دیدارت شوم. جز دیدار تو را نمی‌خواهم، بهشت من جوار توست، یا الله! (وصیت نامه شهید)

عاشق در کارها به دنبال راهی می‌رود که رضایت معشوق را کسب کند؛ از این رو این فرماندهان به غیر رضایت ولی خدا چیزی دیگری نمی‌بینند و آن را نیز به جهت این می‌دانند که مقام معظم رهبری دارای مقام ولایت رسول الله است و اطاعت از او به مثابه اطاعت از معصوم و رسول الله و در نتیجه از خدا است و هر نوع تخلف و کوتاهی در امتثال اوامر ایشان کوتاهی و تخلف از فرمان معصوم، رسول الله و خدا است (نساء: ۸۰).

اصل ولایت فقیه یا ولایت محوری

این اصل مهم‌ترین اصلی است که به مکتب حاج قاسم سلیمانی سایه انداخته و در گفتار، عمل و در نهایت وصیت‌نامه ایشان متجلی شده است، این اصل از اصول مترقه اسلام است که توسط امام خمینی^(ره) احیا شد و اثرات آن را در طول ۴۰ سال انقلاب اسلامی شاهد بودیم. اگر این اصل نبود، باید اذعان داشت، انقلاب در زیر حوادثی که در طی این سالها دشمنان بر نظام تحمیل کردند، آسیب‌های جدی می‌دید.

ویژگی ولایت‌مداری فرماندهان و مدیران این مکتب در گفتار و عمل آنها هویدا است. آنها نمی‌ترسند که با بغض و گریه از ولایت‌مداری، ولایت فقیه و رهبری حرف بزنند و به آنها بگویند تندرو یا بگویند شما به‌طورمبالغه آمیز در مورد رهبری صحبت می‌کنی؛ نمی‌ترسند از اینکه به او بگویند تو چرا اینقدر رهبری را بالا می‌بری؟ (مائده: ۵۴). کلمات شهید سلیمانی در مورد رهبری بیانگر تمایز فرماندهان این مکتب از سایرین است که با بغض و گریه در سخنرانی گفت:

«والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت بخیری رابطه قلبی، دلی و حقیقی با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد، در قیامت خواهیم دید مهم‌ترین محور محاسبه این است».

و یا در سخنرانی یادواره شهدای مسجدالرسول (ص) کرمان - ۱۳۹۴/۱۲/۲۵ گفت: مردم! از من قبول کنید، من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که خدمت می‌کند به اسلام و انقلاب تمایل ندارم. اما این را بدانید؛ والله! علمای شیعه را تماماً و از نزدیک می‌شناسم. الان ۱۴ سال شغل من همین است. علمای لبنان را می‌شناسم، علمای پاکستان را می‌شناسم، علمای حوزه خلیج فارس را می‌شناسم. چه شیعه و چه سنی، والله! شاهد بالله! سرآمد همه این روحانیت، این علما از مراجع ایران و مراجع غیر ایران، این مرد بزرگ تاریخ یعنی «آیت‌الله العظمی خامنه‌ای» است. من با خیلی از علمای شیعه مکاتبه و از نزدیک مراوده دارم و می‌شناسم آن‌ها را، ارادت داریم. دنبال تبعیت مردم از آن‌ها هستیم. اما اینجا کجا، آنجا کجا؟ بین ارض و سماء فاصله داریم. در حکمت این مرد، در اخلاق این مرد، در دین این مرد، در سیاست شناسی این مرد، در اداره حکومت این مرد، دقت کنیم و در بازی‌های سیاسی، مرزهای خودمان را تفکیک کنیم. آدم‌ها می‌آیند و می‌روند. آن چیزی که مهم است اتصال ما به ولایت است. آنچه که مهم است، حمایت ما از این نظام است.

بنابراین در مکتب سلیمانی آینده تشیع بلکه آینده اسلام و موارث اسلامی در گرو بقاء و محوریت ولایت فقیه است. به تعبیر فرمانده ارشد این مکتب در وصیت نامه: «اگر نظام مبتنی بر ولایت فقیه آسیب ببیند، حرمین در مکه و مدینه و حرمین در قدس و الخلیل از بین می‌روند».

اصل تصمیم‌گیری راهبردی ولایی

تصمیم‌گیری به معنای عزم و اراده به انجام کاری است و از دید علم مدیریت به معنای انتخاب یک راه از بین راه‌های مختلف بوده و در حقیقت، انتخاب بهترین راه برای نیل به اهداف است. امروزه در مدیریت، رایج‌ترین امری که هر مدیر همه روزه با آن روبروست امر

تصمیم‌گیری است و به یک معنی، تصمیم‌گیری را جوهره مدیریت دانسته‌اند (حکیمی‌پور، ۱۳۷۶). تا زمانی که تصمیم‌گیری به عمل تبدیل نشده است، به جز تصورات چیزی نیست (میسکل، ۱۳۸۲). نقش محیط تصمیم‌گیری یعنی مجموعه اطلاعات، جایگزین‌ها، ارزش‌ها و ترجیحاتی که در هنگام تصمیم‌گیری با آن سر و کار داریم در تحقق آن غیرقابل انکار است (هریس، ۱۹۹۸: ۷۸).

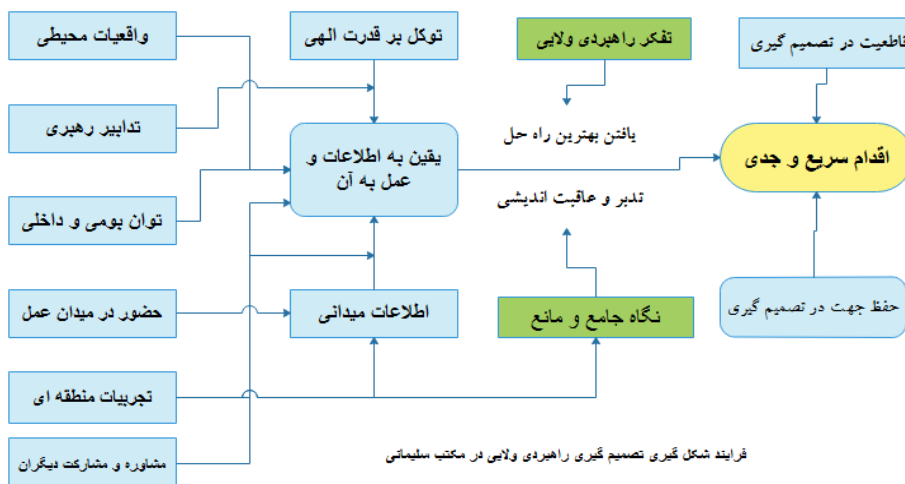
محیط تصمیم‌گیری راهبردی ولایی، محیطی متغیر، پیچیده و متأثر از عوامل متعدد حقیقی و مجازی است و فرصت‌های آن از دل تهدیدها و بحران‌ها بیرون می‌آید. فرمانده و مدیری می‌تواند در این محیط تصمیم‌های درست بگیرد که نترسد، نترساند و عوامل اجرای‌اش نترسند. در این شرایط فرمانده دور دست‌ها و لایه‌های ناپیدا و بین‌سطور را می‌بیند و جاهایی که دیگران آنجا را نقطه بحران شناخته و احتمال شکست می‌دهند، او همان منطقه را فرصت دانسته و از دل آن پیروزی‌ها بدست می‌آورد. نمونه این تصمیم‌ها را می‌توان در فرماندهی ارشد مکتب سلیمانی در جنوب کرمان با اعلان عفو عمومی یا در آزادسازی البوکمال سوریه و یا در عراق مشاهده کرد.

در تصمیم‌گیری، معمولاً از سه مدل عادی، عقلانی و شهودی استفاده می‌کنند. مدل شهودی بیشترین نقش را در تصمیم‌گیری در مکتب سلیمانی بازی می‌کند که در آن بر تجربه و عملکرد ذهنی و فکری تصمیم‌گیر تأکید می‌شود که مدد الهی به همراه دارد؛ زیرا تجربه و ایمان و صداقت و استقامت، باعث همراهی مددالهی می‌شود (توبه: ۴۰، یونس: ۹ و فصلت: ۳۰). گرچه به اعتقاد بعضی در مدل شهودی شناخت و حل مساله اغلب و تقریباً بدون کوشش تا حد زیادی توسط ذهن صورت می‌گیرد (جاکسون، ۱۹۸۸)؛ یعنی در شرایط پیچیده و پر ابهام، تجربیات قبلی و قضاوت تصمیم‌گیر از اجزای موثر حل مسئله می‌شود (ایساک، ۱۹۸۹). البته برخی نیز اعتقاد دارند تجربه در شهود جایگاهی ندارد و تصمیم‌گیری شهودی فرآیندی مربوط به ضمیر ناخودآگاه انسان است که بدون توجه به تجربیات گذشته شکل می‌گیرد (بهلینگ، ۱۹۹۱: ۴۶).

در روش شهودی، فرآیند پیچیده دریافت و تلفیق اطلاعات، مستلزم پردازش حجم عظیمی از داده‌هاست که ذهن خودآگاه انسان قادر به انجام آن نیست و این ناخودآگاه فرد است که حجم عظیمی از اطلاعات را در خود ذخیره و در کسری از ثانیه مورد

پردازش قرار می دهد (بابائی، ۱۳۹۲: ۲۲۵). یعنی شهود در سطح ناخودآگاه فرد رخ می دهد و به همین دلیل تصمیم گیرنده، نمی تواند چگونگی تصمیم گیری خود را بیان کند (بارنارد، ۱۹۳۸).

این شهود برای فرمانده ارشد این مکتب از طریق چگونگی عملکرد او در جنگ ایران و عراق در فرماندهی لشکر ۴۱، تا فرماندهی عملیات های مهمی چون والفجر هشت، کربلای چهار و کربلای پنج و سابقه درگیری او پس از جنگ با اشرار در مرزهای شرقی و ایمان به لطف الهی و اعتماد به رهنمودهای ولی فقیه، زمانی ایجاد شده بود که آنها را در عرصه های مختلف سویه و عراق و لبنان در مبارزه با داعش به نمایش گذاشت. تا جائیکه نشریه نیوزیک در سال ۲۰۱۴ با انتشار عکس بزرگی از سپهد شهید در روی جلد نوشت: «اول با آمریکا می جنگید اکنون داعش را در هم میکوبد». موفقیت اکثر حمله های هوایی روسیه منوط و مشروط به ابتکار عمل های زمینی حاج قاسم بود؛ به گونه ای که مگوایر افسر وقت سازمان سیا زندگی خود را مدیون استعداد و تلاش های سردار سلیمانی در جریان بازپس گیری شهر القصیر در نبرد القصیر می دانست. این پیروزی باعث شد تا از سال ۲۰۱۳ به بعد ارتش سوریه پی در پی مواضع بعدی تروریست ها را منهدم و بازپس بگیرد (پایگاه اطلاع رسانی هیئت رزمندگان اسلام). تصمیم گیری راهبردی ولایی از یک نظام طولی و عرضی برخوردار است. در نظام طولی، تصمیم ها باید به تایید ولی فقیه، امام زمان، رسول الله و خدا برسد که لازمه اش این است که همه تصمیم ها باید دلیل و مرجعی در قرآن و سنت داشته باشد و مشروعیت آنها امروز به تاییدیه ای برمی گردد که از طرف امام خامنه ای صادر می شود. در نظام عرضی به مجموع عواملی بر می گردد که تصمیم گیری را تحت تاثیر قرار می دهد که در زیر مشاهده می کنید.



نتیجه گیری و راهبرد کلان مکتب سلیمانی

حاج قاسم، انسانی بود که به خوبی توانست به این دانش دست یابد که حقیقت در پیروی از داده‌های نهاده شده در ذات آدمی است (البلد: ۱۰). او توانست با اقتدا به مولایش استعدادها را بالفعل کند و انسانی بشود که بتوان او را از مصادیق انسان‌های موفق نامید که به خوبی توانسته راه بین دو تولد دنیوی و برزخی را طی کند. او شاهد مثال کسانی است که قرآن از آنها به منعمین یاد کرده و هر روز در نمازها حداقل ۱۰ بار از درگاه خداوند متعال می‌خواهیم که ما را در مسیری قرار دهد که آنها رفته‌اند.

او را باید شاهد مثال امروزیین این آیه قرآن بدانیم « وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ » (الشعراء: ۸۴)؛ یعنی خداوند او را از نیک نام‌های دنیا قرار داد که در بستر تاریخ زنده خواهند ماند. به تعبیر سعدی در غزل بیستم:

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز مرده آنست که نامش به نکویی نبرند

او شاهد مثال قرن بیستم به بعد خواهد بود که توانست با وجود وسایل تبلیغی و فضای مجازی و امکانات دیگر - که هر کدام بهانه‌ی انحراف خیلی‌ها شده است - که می‌توان در این فضا به مقصود رسید و سربلند با خدا ملاقات کرد.

او شاهد مثال مدیران و فرماندهانی شد که می‌گفتند نمی‌توان در این میدان با وجود تحریم‌ها و امکانات دشمن به موفقیت جهانی دست یافت. او حجت همه ما برای اطاعت از رهبری و امتثال اوامر ایشان شد. او شاهد مثال این کلام معصوم شد که با اقتدا به رهبری مقام ولایت به راحتی می‌توان سربلند شد.

او شاهد مثال افرادی شد که می‌توان در میان احزاب، اقوام، قومیت‌ها و ملیت‌ها جهانی شد و همه را کنار هم برای یک هدف ایده‌آل جمع کرد. او را باید قهرمان مقاومتی دانست که توانست در مقابل شیاطین درون و بیرون به خوبی ایستادگی کند و به خوبی بینی همه آنها را به خاک بمالد.

او به ما یاد داد که می‌توان با یک راهبرد کلی خدایی شد و آن این که به محبوبین خدا نگاه کنید و مانند آنها زندگی کنید (الکهف: ۱۱۰). اگر می‌خواهید با امامان محشور شوید، مانند آنها زندگی کنید، و یا حداقل حفظ آبرو کرده و حرمت شکنی نکنید و طوری زندگی کنید که گویا حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور یافته و ما را برای کاری انتخاب کرده اند که همین الان مسئولیت آن به عهده ما است. اگر می‌خواهید شهید بشوید، مانند آنها زندگی کنید. او به ما نشان داد می‌توان قبل از شهید شدن شهید شد و قبل از استاد شدن استاد شد و قبل از فرمانده و مدیر شدن فرمانده و مدیر شد. او به ما یاد داد در انتخاب و گزینش فرماندهان و مدیران به جنم آنها توجه شود و اگر آثاری از فرماندهان موفق و مدیران موثر در آنها مشاهده شد، آنها را انتخاب کنید و با اعتماد به آنها استعداد ذاتی آنها را شکوفا سازید.

او به ما آموخت همه مردم ایران بلکه همه مسلمانان، یک خانواده هستند و در تمام شرایط باید پشت هم را خالی نکنیم و به بهانه‌های مختلف همدیگر را نرنجانیم و از خود دور نکنیم. او به خوبی نشان داد با مهربانی و نشاط روحی و صوری می‌توان جذاب شد و می‌توان بین گفتار و عمل هماهنگی ایجاد کرد و بیش از آنکه حرف بزیم عمل کنیم و بجای این که ما حرف بزیم عمل مان حرف بزند. او به ما نشان داد حقانیت خود را با عمل و گفتمان منطقی اثبات کنیم و در مقابل دشمنان سرسخت و در برابر دوستان مهربان و دلسوز باشیم.

او به ما نشان داد بدون این که نام و نشان داشته باشیم، نشان‌دار شده و جهانی را متلاطم کنیم. به خوبی نشان داد که متظاهر بودن دلیل خوب بودن نیست. او نشان داد رضایت ولی امر مسلمین شرط خوب بودن و خوب شدن است.

او به ما عملاً نشان داد که اعتقاد و باور به وجود خدا و یقین به زندگی فرا دنیایی مهم‌ترین پشتیبان فکری و ارزشی است که شاه کلید ورود در معنویات و زندگی پاک و سالم است.

او به خوبی راه عاقبت‌بخیری را نشان داد که آرزوی همه ماست و در تمام دعاها از خداوند متعال خواهان آن هستیم و او به خوبی به این سخنش عمل کرد که:

«رزمنده‌ها! یادگاران جنگ! یکی از شئون عاقبت‌بخیری، نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب است.. والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت‌بخیری این است. والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت‌بخیری رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی {رهبر معظم انقلاب} است که امروز سگان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید مهم‌ترین محور محاسبه این است.»

بنابراین به نظر نویسنده راهبرد کلان فرهنگی سید شهدای مکتب سلیمانی *اعتقاد و باور* به وجود خدا و یقین به آخرت و تمسک به ولایت حقیقی امام زمان (عج) و ایجاد رابطه قلبی و دلی با مقام معظم رهبری و امثال او امر و نواهی ایشان است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- قرآن کریم
- نهج البلاغه (ل لصبحی صالح) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۱)، *تحف العقول*، ترجمه، جعفری، بهراد، دار الکتب الإسلامیة.
- ابن منظور (۱۴۰۸ق)، *لسان العرب*، بیروت، *دار احیاء التراث العربی*.
- احمد بن محمد مهدی (۱۳۴۸)، *معراج السعاده*، نراقی، حوزه علمیه اسلامی.
- بابائی محمدباقر (۱۳۸۵)، *مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امیرالمومنین علیه السلام*، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام
- بابائی محمدباقر (۱۳۸۷)، *رمز موفقیت در تحقیق، انتشارات فکر و بکر*، تهران، چاپ دوم
- بابائی محمدباقر (۱۳۹۳)، *سبک زندگی و جهانی شدن در پهنه فرهنگ علوی*، انتشارات مرکز ملی جهانی شدن، تهران
- بابائی محمدباقر (۱۳۹۶)، *فرهنگ در کلام و سیره امیرالمومنین علیه السلام*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- بابائی محمدباقر (۱۳۹۱)، *مهندسی مدیریت در فرهنگ علوی*، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.
- بابائی محمدباقر (۱۳۹۷)، *هدایت و رهبری از منظر قرآن و راهبردهای آن، فصلنامه مدیریت اسلامی*، سال ۲۶ بهار ۱۳۹۷
- بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ نیروهای مقاومت بسیج مردمی، ۵ آذر ۱۳۷۵.
- بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۷ / ۱۰ / ۹۸
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۸/۱۲/۱۳۹۰
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از بانوان اندیشمند و سخنران بانوان در این دیدار، ۱۸/۰۷/۱۳۷۷
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان - ۰۲/۰۹/۱۳۷۷
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۲/۰۸/ ۱۳۹۵
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا»، ۲۲/۰۷/۱۳۹۴
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان سپاه - ۲۹/۰۶/۱۳۷۳
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کشاورزان، ۱۴/۱۰/۱۳۸۴

- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان شرقی به تاریخ ۲۹/۱۱/۱۳۹۶
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم، ۹۸/۱۰/۱۸
- بیانات مقام معظم رهبری دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب ۲۳/۱۰/۱۳۹۲
- بیانات مقام معظم رهبری رهبر انقلاب در ابلاغ مانور گردان‌های عملیات والفجر ۸ ۱۶/۱۲/۱۳۶۶
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، **غرر الحکم و درر الکلم**، ناشر دار الکتب الإسلامی
- **حدیث ولایت (۱۳۷۰)**، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری ج ۷.
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۷۵)، **روشهای تحقیق در علوم انسانی**، تهران: یادواره کتاب.
- شیخ حر عاملی (۱۴۰۹ق)، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، موسسه آل الیبتات.
- صهباء، (۱۳۹۰)، **دغدغه‌های فرهنگی مقام معظم رهبری**، موسسه جهادی، تهران
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۶۳)، **ترجمه المیزان**، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، **الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)** - مشهد، چاپ: اول.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰)، **مکارم الأخلاق** - قم، چاپ: چهارم.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، **مصباح المتجهّد و سلاح المتعبّد** - بیروت، چاپ: اول.
- طهماسبی عالمه و دیگران (۱۳۹۸)، **سلیمانی عزیز**، انتشارات زیتون.
- العروسی الحویزی عبد علی بن جمعه (۱۴۲۲ق)، **تفسیر نور الثقلین**، موسسه التاریخ العربی.
- الفرد کرویبر (۱۳۸۶)، **ره آورد**، انجمن دستداران فارسی.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق)، **الوافی**، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی(ع).
- قشیریه، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، **رساله قشیریه**، بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی، چ چهارم.
- کبیری پور مهدی و دیگران (۱۳۹۷)، **تبیین مفهوم تفکر راهبردی از منظر اسلام، مدیریت فرهنگ سازمانی**، دوره ۱۶، ش ۳، پاییز ۱۳۹۷
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی (ط - الإسلامیة)** - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق
- لبثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، **عیون الحکم و المواعظ (للثبی)**، ناشر: دار الحدیث
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴)، **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**.

- مطهری مرتضی (۱۹۸۷)، شرح منظومه، صدرا
- مطهری مرتضی (۱۳۶۲)، انسان در قرآن، صدرا.
- میسکل، وین هوی؛ سیسل؛ جی (۱۳۸۲)، **تئوری و تحقیق و عمل در مدیریت آموزشی**، مترجم میرمحمد سیدعباسزاده... ناشر: دانشگاه ارومیه

ب. منابع لاتین

- Barnard, C.I. (۱۹۳۸). **The Functions of the Executive**, Harvard university Press.
- Behling, O. & N. L. Eckel; (۱۹۹۱). **Making sense out of intuition**; The Executive;
- Harris lioyd, April (۱۹۹۸). Employee responses to culture change efforts, *Human Resource management Journal*,
- Issack, Thomas, (۱۹۸۷). **Intuition: An Ignored Dimension of Management.**, Academy of Management Review
- Jackson, Susan E. and Dutton Jane E, (۱۹۸۸). **Discerning Threats and Opportunities**
- Mintzberg, H, " (۲۰۰۱). **Planning on the left side and Managing on the right**, Harvard Buusiness Review.

